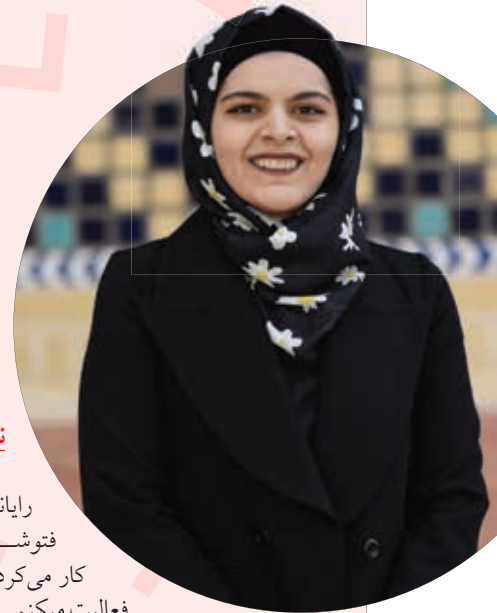


کادو شناس

در این شماره از مجله، به سراغ کارآفرینی جوان رفتیم تا با او مصاحبه‌ای داشته باشیم؛ ایشان خانم فرانک حیدری فارغ التحصیل رشته برنامه نویسی کامپیوتر از دانشگاه سراسری زنجان هستند که در خلال مصاحبه بیشتر با او آشنا می شویم.



به دانشجویان جدید الورد کمک می کرد تا کافه‌ها و مکان‌های حضور دسته جمعی را بهتر پیدا کنند.

وقتی ترم ۵ بودم، بیکاری و شرایط بد بازار کار باعث شد، یکی از دوستان قدیمی‌ام به من زنگ زد و این ایده را مطرح کرد که در ابتدا فکر نمی‌کردم ایده موفق باشد.

به جلسه‌ای حضوری با دوستانم رفتم و وقتی که توانمندی و شروع خوب را دیدم به همکاری ترغیب شدم.

ما با هم شروع کردیم به کتاب خواندن در حوزه ساخت اپلیکیشن برای دانشجویانی که می‌خواهند دوره‌م درس بخوانند و نیاز به فضایی مثل کافه‌ها دارند. در ابتدا جلسات ما در کافه‌ها و پارک‌ها برگزار می‌شد چون جایی را برای کار نداشتیم.

برای این کار با چند جا صحبت کردیم و از آن‌ها برای کاربرانمان تخفیف هم گرفتیم اما با همه‌گیری کرونا ایده ما بهم ریخت و رفتیم سراغ ایده دوم؛ یعنی ساخت اپلیکیشنی برای «کادو دادن»

از همان بچگی من کارگروهی را به شدت دوست داشتم و در تمام کلاس‌ها برای کارکردن نفر اول بودم و مدیر گروه خودم.

این زمان که داشتی برای پروژهات کار می‌کردی حمایتی از طرف خانواده داشتی؟

ببینید در مورد مسئله حمایت خانواده نکته‌ای که هست این است که همه در درجه اول دوست دارند تا فرزندانشان بتوانند کار ثابت با حقوق مکفی داشته باشند. برای من بدتر بود و من حمایت زیادی از طرف خانواده نداشتم. خیلی نصیحت می‌کردند که دنبال کار واقعی باش و این کار واقعی نیست و می‌گفتند این کار از لحاظ مالی مناسب نیست. آن‌ها درک کامل و مناسبی از کار من نداشتند.

ولی سواى همه این مشکلات از جامعه و خانواده من راه را ادامه دادم. ولی در کل کار ما در میان حتی بانوان خود این رشته هم کمتر دیده

از خودت و شروع این علاقه به رایانه و برنامه نویسی بگو؟

من از پنج سالگی کلاس رایانه می‌رفتم، و آن زمان بیشتر فتوشاپ و اکسل و عکس و تصویر کار می‌کردم. الان در حوزه برنامه نویسی فعالیت میکنم.

در هنرستان که آنجا کدزنی می‌کردیم و در آن زمان یادم می‌آید که با زبان سی‌پلاس، پلاس‌کد می‌زدیم و سرکلاس‌هایمان مسابقه کدزنی می‌گذاشتیم تا ببینیم چه کسی سریع‌تر کد می‌زند.

یادم می‌آید اوایل کار با ماشین حساب شروع کردم و اولین برنامه‌ای که نوشتم ماشین حساب بود.

برای دومین کدی که نوشتم جدول تناوبی را انتخاب کردم. فضای تحصیلی‌ام خوب بود و به شدت به من کمک کرد.

این داستان چلو تر رفت و چطور وارد دانشگاه شدی؟

زمانی که من وارد دانشگاه شدم آن زمان رشته‌های برق و مکانیک اولویت بازار کار بودند، کار برای ما کمتر بود؛ مخصوصاً برای خانم‌ها. ترم پنج که بودم برای کارکردن باید با استاد‌های دانشگاه‌مان و پروژه‌های آن‌ها همکاری می‌کردم.

شرایط کاری خودت چطور بود و شروع کارآفرین شدن تو از کجا بود؟

من خودم از بچگی عاشق رایانه بودم، جرقه کار ما در همان ۲۱ سالگی زده شد.

ایده اولیه ما برنامه‌نویسی یک اپلیکیشن برای دانشجویها بود. برنامه‌ای که



استارت‌آپ ما مشغول به کارند. ایده پیشنهاد دهنده کادو ما در جشنواره کشوری ایده اول و برنده اعلام شد و فکر می‌کنم این ایده موفق به در دست گرفتن بازار منجر بشود.

می‌شود؛ تصور می‌شود کاری زنانه نیست، نگاه اشتباهی که جا افتاده بود و نیاز به فرهنگ‌سازی زیادی داشت.

👩‍💻 بریم سراغ ایده اصلی که الان روی ان مشغول فعالیت هستی:

من روی پروژه ای به نام «داریکا» فعال هستم. «داریکا» اولین سکه‌ای بود که در ایران باستان برای خرید و فروش استفاده می‌شد. بعد از شکست کار قبلی این پروژه می‌توانست پروژه خوبی برای ایجاد تحول در خرید باشد.

ما به کاربران کمک می‌کنیم تا کادویی مناسب سلیقه و روحیات طرف مقابلشان بخرند.

ایده را تک به تک بررسی کردیم و بعد دو ماه بررسی شرایط بازار و نیاز مخاطبین ما به ایده یک اپلیکیشن برای خرید هدیه و کادو رسیدیم. قطعاً برای همه پیش آمده که می‌خواهند برای مناسبتی هدیه بخرند اما نمی‌دانند که چه چیزی بخرند.

شیوه ساز و کار ما این چنین است که اول برای شخصی که می‌خواهد کادو را بخرد یک سری سوال روانشناسی طراحی کرده‌ایم که فرد با توجه به شناختی که از طرف مقابلش دارد به سؤالات پاسخ می‌دهد و بعد چندین کادو به او پیشنهاد می‌شود. کاربر اپلیکیشن ما می‌تواند هر کدام از کادوها را که خواست سفارش دهد.

فیچرهایی که ارائه دادیم باعث می‌شود کاربران علاوه بر بودجه‌بندی، بتوانند کادو دست‌ساز خودشان را آماده کنند.

غیر از این هم بخواهم بگویم من الان در یک شرکت به عنوان برنامه‌نویس مشغول فعالیت هستم و آموزش‌هایی که آنجا می‌بینم هم برای این پروژه بسیار مناسب است.

تیم کاری ما الان به شش نفر رسیده که سه نفر به آن اضافه شده‌اند و در

👩‍💻 آینده را چطور می‌بینی؟ چقدر پیشرفت برای خودت در نظر گرفته‌ای؟

من آینده را خوب می‌بینم. دوست دارم خودم یک کاری انجام دهم و در کنار موفقیت این پروژه، برای هم رشته‌ای های خودم کارهای بزرگتری ایجاد کنم.

امیدوارم روزی بیاید که بتوانم اهداف و آرزوهای خودم را ادامه دهم و در ادامه به تازه‌واردهای این رشته کمک کنم.

